

ما هو الصحيح عن سؤال رقم « ١ إلى ١١ »

١- جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التِّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ، يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

(١) با اشتیاق - فرودگاه (٢) مُشتاق - ایستگاه

(٣) مشتاق بودن - باران (٤) شوق داشتن - باران ها

٢- فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أُغْيُنِهِمَا. فَسَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا

(١) عرق ها - پیشانی ها (٢) اشک - آشکار

(٣) آب ها - چشمه ها (٤) اشک ها - چشمان

٣- لَمْ تَبْكِي. وَقَدْ كُنْتَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!

(١) نگریست - ماه (٢) گریه نکرد - سال

(٣) چرا گریه می کنی - سال (٤) گریه نمی کنی - ماه

٤- حِينَمَا أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ إِلَى الْحَجِّ، تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي حِينَ زُرْتُ أَنَا...

(١) تلخ می شود - خاطرم (٢) می گذرند - خاطراتم

(٣) کدر می شود - حافظه ام (٤) عبور می کند - یادم

٥- وَلَكِنَّكَ أَدَيْتَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي! الْأُمُّ: لَقَدْ اشْتَقَّ أَبُوكُمَا إِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ:

(١) انجام دادی - شاید مشتاق شده باشد (٢) عمل کردی - مشتاق می شد

(٣) ادا کردی - مشتاق شده بود (٤) بجا آوردی - مشتاق شده است

٦- أَأَنْتِ مُشْتَاقَةٌ أَيْضًا؟ يَا أُمَاهُ؟ الْأُمُّ: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ يَا بَنِيَّ.

(١) ای مادر جان - قطعاً - پسر (٢) ای مادرم - البته - پسرکم

(٣) ای مادر - تاکید کردن - پسر کوچک (٤) مادرش - البته - پسر

۷- أَتَذْكُرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مَنَىٰ وَعَرَفَاتٍ .

- (۱) آیا به یاد می آوری - خیمه ها
(۲) به یاد آوردی - چادرها
(۳) به یاد می آورم - خیمه ها
(۴) تذکر می دهم - چادرها

۸- الْأُمُّ: وَ أَنَا أَتَذْكُرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءِ الْوَاقِعِ فِي قِمَّتِهِ .

- (۱) عبادت می کند - بالا
(۲) عبادت کرده بود - رأس
(۳) عبادت می کند - درون
(۴) عبادت می کرد - قلّه

۹- الْأُمُّ: لَا، يَا بُنَيَّ. الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُّرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

- (۱) ای دخترم - نمی توانست
(۲) ای دخترکم - نمی تواند
(۳) ای دختر کوچک - توانایی ندارد
(۴) ای فرزندم - نخواهد توانست

۱۰- وَأَنْتِ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّيْنِي.

- (۱) می دانستی - پایم درد مند است
(۲) دانستی - پایم عذابم می دهد
(۳) می دانی - پایم درد می کند
(۴) آگاه هستی - درد پایم

۱۱- هَلْ رَأَيْتُمَا غَارَ ثَوْرِ الَّذِي لَجَأَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ؟ لَا، يَا عَزِيزَتِي؛ أَنَا أَتَمَنَّى أَنْ أَتَشَرَّفَ إِلَى هُنَاكَ وَأَزُورَهُ .

- (۱) رفت - خواهشمندم - دیدار می کنم
(۲) پناه بُرد - آرزو می کنم - زیارت کنم
(۳) پناه بُرد - تمنا دارم - زیارت کرد
(۴) رفت - امیدوارم - زیارت کردم

۱۲- عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي الْمَفْرَدِ وَالْجَمْعِ :

- (۱) الرَّجُلُ — الرِّجَالُ
(۲) الْخِيَامُ — الْخِيَمَةُ
(۳) الْقِمَمَ — الْقِمَّةُ
(۴) الْآلَامَ — الْأَلَمَ

*** _____ إنتخبْ للفراغ كلمةً مناسبةً عن سؤال رقم ١٣ إلى ٣٠ _____ ***

١٣- جَلَسَ أعضاءُ الأُسرةِ أَمَامَ مُشْتاقِينَ .

(١) الدُّمُوعِ (٢) التَّلْفَازِ (٣) الْحَجِّ (٤) المَاضِي

١٤- رَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ هِمَا

(١) أَرْجُلِ (٢) أَيْدِي (٣) رَأْسِ (٤) أَعْيُنِ

١٥- تَمَرُّ أَمَامِي ذِكْرَاتِي حِينَ أَنَا وَأُمُّكَ هَاتَيْنِ الْمَدِينَتَيْنِ الْمُقَدَّسَتَيْنِ

(١) أَبْكِي (٢) أَذْهَبُ (٣) أَزُورُ (٤) أَقُولُ

١٦- لَكِنَّكَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ مَعَ أُمِّي !

(١) بَكَيْتَ (٢) أَذَيْتَ (٣) رَمَيْتَ (٤) سَعَيْتَ

١٧- أَتَذَكَّرُ الْحُجَّاجَ فِي مَنِيٍّ وَ عَرَفَاتٍ، وَ رَمَى الْجَمَرَاتِ .

(١) الطَّوْفِ (٢) السَّعْيِ (٣) فَوْقَ (٤) خِيَامَ

١٨- أَلَا، يَا بُنَيَّتِي. يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ .

(١) الْبَقِيعُ الشَّرِيفُ (٢) غَارُ حِرَاءِ (٣) مَنِيٍّ وَ عَرَفَاتٍ (٤) الْحَجِّ

١٩- لَمْ تَصْعَدْ وَالِدَةُ عَارِفٍ جَبَلَ النُّورِ لِأَنَّ كَانَتْ تُؤْلِمُهَا .

(١) دُمُوعَهَا (٢) عَيْنُهَا (٣) يَدُهَا (٤) رِجْلُهَا

٢٠- جَلَسَ أعضاءُ الأُسرةِ

(١) يَكُونُ مُرْتَفِعاً (٢) أَمَامَ التَّلْفَازِ (٣) الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ (٤) وَالِدَا الأُسرةِ

٢١- يَكُونُ جَبَلُ النُّورِ

(١) فِي الْعَامِ الْمَاضِي (٢) مُرْتَفِعاً (٣) إِشْتَاقَ إِلَيْهِ (٤) مُجَدِّاً

٢٢- الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ الْيَوْمَ .

(١) يُشَجِّعُ (٢) يَرْجِعُ (٣) يَجْتَهِدُ (٤) وَصَلَ

٢٣- إِنَّهُ رَجُلٌ صَادِقٌ وَصَبَّارٌ وَ..... .

(١) ظَالِمٌ (٢) مُتَكَبِّرٌ (٣) مُحْتَرَمٌ (٤) خَبَّارٌ

٢٤- مُصَلِّحُ السَّيَّارَاتِ أَخَذَ سَيَّارَتَنَا إِلَى مَوْقِفِ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ لِأَنَّهَا

(١) جَمِيلَةٌ (٢) جَرَّارَةٌ (٣) مُزَارِعٌ (٤) مُعْطَلَةٌ

٢٥- سَيَّارَةٌ نَسْتَخْدِمُهَا لِلْعَمَلِ فِي الْمَزْرَعَةِ .

(١) الْمَوْقِفُ (٢) الطَّائِرَةُ (٣) الْمَصْنَعُ (٤) الْجَرَّارَةُ

٢٦- مَكَانٌ وَقُوفِ السَّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ .

(١) الْمَطَارُ (٢) الْمَصْنَعُ (٣) الْمَوْقِفُ (٤) الْمَحْفِلُ

٢٧- أَعْلَى الْجَبَلِ وَرَأْسُهُ .

(١) الْأَكْتَفُ (٢) الْقِمَّةُ (٣) الْمَائِدَةُ (٤) الْحَافِلَةُ

٢٨- يَعِيشُ صَدِيقِي الْمُصَلِّحُ فِي

(١) الْحَمَامَةُ (٢) الْعُصْفُورُ (٣) الْأَسْنَانُ (٤) الْقُرَى

٢٩- هَذِهِ السَّمَكَةُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ ، ثُمَّ هِيَ بَعْدَ زَوَالِهِ .

(١) تُخْرِجُ - تَبْلَعُ (٢) تُطْلِقُ - تُخْرِجُ (٣) تَبْلَعُ - تُخْرِجُ (٤) تُطْلِقُ - تَبْلَعُ

٣٠- عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ سَمَكَةُ السَّهْمِ

(١) تَبْلَعُهَا (٢) تَمْنَعُهَا (٣) تَذْكُرُهَا (٤) تُصَلِّحُهَا

*** _____ إِنْ تَخِبِ الْأَصْحَّ وَالْأَدَقَّ فِي التَّرْجُمَةِ عَنْ سُؤَالِ رَقْمِ ٣١ إِلَى ٤٦ _____ ***

۳۱- كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ جَلَسُوا أَمَامَ التَّلَافُزِ مُشْتَاقِينَ، يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ.

- (۱) أفراد خانواده با اشتیاق مقابل تلویزیون نشستند در حالیکه حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کردند.
- (۲) اعضای خانواده با شوق فراوان در برابر تلویزیون نشستند و حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کنند .
- (۳) اعضای خانواده با اشتیاق جلوی تلویزیون نشسته بودند درحالیکه حاجیان را در فرودگاه مشاهده می کردند.
- (۴) أفراد خانواده بودند که با شوق مقابل تلویزیون نشستند و حاجیان را در فرودگاه مشاهده کردند.

۳۲- نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا.

- (۱) «عارف» پدر و مادرش را دید ، پس اشک هایشان را مشاهده کرد که از گونه هایشان جاری گشت.
- (۲) «عارف» به پدر خود نگاه کرد ، و اشک هایش را دید که از چشمانش جاری می گشت.
- (۳) «عارف» به والدین خود نگاهی کرد ، در حالیکه اشک هایشان از چشمانشان جاری می گشت.
- (۴) «عارف» به پدر و مادرش نگاهی کرد ، و اشک هایشان را دید که از چشمانشان جاری می گشت.

۳۳- سَأَلَ عَارِفٌ وَالِدَهُ مُتَعَجِّبًا: يَا أَبِي، لِمَ تَبْكِي وَقَدْ كُنْتَ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!

- (۱) عارف با شگفتی از پدر پرسید: ای پدر ،چرا گریه می کنی و حال آنکه سال گذشته در حج بودی؟!
- (۲) عارف با تعجب از پدرش پرسید: ای پدرم ،چرا گریه می کنی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!
- (۳) عارف با شگفتی از پدرش پرسید: پدر ،چرا گریه نکردی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!
- (۴) عارف شگفت زده از پدر سؤال کرد: ای پدرم ،مگر گریه نکردی در حالیکه سال گذشته در حج بودی؟!

۳۴- كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ، وَ يَتَذَكَّرُ الْأَمَاكِنَ الْمُقَدَّسَةَ يَشْتَاقُ إِلَيْهَا.

- (۱) هر مسلمانی وقتی که این صحنه را می دید و مکان های مقدس را به یاد می آورد به آنها اشتیاق پیدا می کرد.
- (۲) همه مسلمانان وقتی این صحنه را می بینند و مکان های مقدس را به یاد می آورند به آنها اشتیاق پیدا می کنند.
- (۳) هر مسلمانی هنگامی که این صحنه را می بیند و مکان های مقدس را به یاد می آورد به آنها اشتیاق پیدا می کند.
- (۴) همه مسلمانان وقتی که این صحنه را دیدند ، مکان های مقدس را به یاد آوردند و به آنها اشتیاق پیدا کردند.

۳۵- كُنْتُ أَتَذَكِّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ حِرَاءٍ الْوَاقِعِ فِي قِمَّتِهِ.

- ۱) کوه نور را بیاد می آورم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قله اش عبادت می کرد.
- ۲) من کوه نور را بیاد می آوردم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قله اش عبادت می کرد.
- ۳) کوه نور را بیاد آورده بودم که پیامبر(ص) در غار حراء واقع در قله اش عبادت کرده بود .
- ۴) من کوه نور را بیاد آوردم در حالی که پیامبر(ص) واقع در قله اش در غار حراء عبادت می کرد.

۳۶- يَا بِنْتِي، الْغَارُ يَقَعُ فَوْقَ الْجَبَلِ الْمُرْتَفِعِ، لَنْ يَسْتَطِيعَ صُعودُهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.

- ۱) ای دخترم ، غار بالای کوه بلندی قرار دارد ، فقط افراد نیرومند خواهند توانست از آن بالا بروند.
- ۲) ای دخترکم ، غار بالای کوه بلند واقع شده است ، بجز افراد توانمند کسی نمی تواند از آن بالا برود.
- ۳) ای دخترکوچکم ، غار بالای کوه بلندی قرار دارد ، جز قوی ها کسی نمی تواند از آن بالا برود.
- ۴) ای دخترم ، غار روی کوه بلندی واقع است ، بجز نیرومندان کسی نخواهد توانست از آن بالا برود.

۳۷- كَانَ الْمُتَفَرِّجُونَ يُشَجِّعُونَ فَرَحِينَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ أَمْسٍ .

- ۱) روز گذشته تماشاگران تیم برنده شان را شادمانه تشویق کرده بودند.
- ۲) فردا تماشاچیان تیم پیروزشان را با شادی تشویق می کنند.
- ۳) تماشاچیان دیروز تیم شان را پیروزمندانه تشویق می کردند و خوشحالی می کردند..
- ۴) دیروز تماشاگران تیم پیروزشان را با خوشحالی تشویق می کردند.

۳۸- لَمْ تَجْتَهِدِ الطَّالِبَاتُ الْمُشَاغِبَاتُ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ رَاضِيَاتٍ وَ مَا سَاعَدَنَ أُمَّهِنَّ .

- ۱) دانش آموزان تنبل در انجام تکلیفشان باخشنودی تلاش نکردند و به مادرشان کمک نکردند.
- ۲) دانش آموزان در انجام تکالیفشان رضایتمندانه تلاش کردند و به مادرشان کمک کردند.
- ۳) دانش آموزان اخلاکگر در انجام تکالیفشان رضایتمندانه تلاش نکردند و به مادرشان کمک نکردند.
- ۴) دانش آموزان شلوغ کننده در عمل به تکالیفشان باخشنودی تلاش نکردند ولی به مادرشان کمک کردند.

۳۹- مَا هُوَ الصَّحِيحُ ؟

- ۱) رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ : کشاورز را دیدم، و او محصول را جمع می کند.
- ۲) أَشَاهِدُ زَمِيلِي وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ : همکلاسی ام را می بینم، درحالی که میان درختان نشسته بود.
- ۳) يَعْمَلُ الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ مُبْتَسِمًا فِي الْمَصْنَعِ : مهندس جوان با خوشحالی در کارخانه کار می کند.
- ۴) اَلطَّالِبَتَانِ الْمُجِدَّتَانِ تَقْرَأَانِ دُرُوسَهُمَا : دو دانش آموز ، تلاشگرانه درس هایشان را می خوانند.

۴۰- اتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ بِصَدِيقِهِ مُصَلِّحِ السَّيَّارَاتِ؛ لَكَيْ يَصْلَحَ سَيَّارَتَهُمْ .

- ۱) آقای مسلمی با دوست تعمیرکار خود، تماس گرفت تا خودروی شان را تعمیر کند.
- ۲) آقای مسلمی با دوستش تعمیرکار خودرو تماس گرفت تا خودروی آنها را تعمیر کند.
- ۳) آقای مسلمی برای تعمیر خودروی شان با دوستش تعمیرکار خودرو تماس تلفنی برقرار کرد .
- ۴) آقای مسلمی با تعمیرکار خودروی دوستش تماس گرفت تا خودرواش را تعمیر کند.

۴۱- ما هو الخطأ ؟

- ۱) جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْأَاطِلُ : حق آمد و باطل نابود شد.
 - ۲) وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ : از بردباری و نمازتان یاری بجویید .
 - ۳) فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ : بی گمان حزب خدا چیره شدگان اند.
 - ۴) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ : هر کسی چشنده ی مرگ است .
- ۴۲- سَمَكَةُ السَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ فِي الصَّيْدِ .

- ۱) ماهی تیرانداز از ماهی های شگفت انگیز در شکار کردن است .
- ۲) ماهی تیرانداز از شگفت انگیز ترین ماهی ها در شکار کردن است .
- ۳) برخی از ماهی ها سهم شگفت انگیزی در شکار کردن ماهی های دیگر دارند .
- ۴) تیراندازی یک نوع ماهی از شگفت ترین موضوعات در شکار کردن ماهی ها است .

۴۳- هُوَ أَسْمَاكِ الزَّيْنَةِ مُعْجِبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ، لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ الْفَرَّاسَ الْحَيَّةَ .

- ۱) علاقه مندان ماهی های زینتی از این ماهی خوششان می آید زیرا (این علاقه مندان) دوست دارند

شکارهای زنده را بخورند.

- ۲) هواداران ماهی های زینتی از این ماهی ها خوششان می آید زیرا (این ماهی ها) دوست دارند شکارها را

زنده بخورند.

- ۳) هواداران، از این ماهی های زینتی در تعجب هستند زیرا (این ماهی ها) دوست دارند شکارهای زنده را

بخورند.

- ۴) علاقه مندان ماهی های زینتی از این ماهی خوششان می آید زیرا (این ماهی ها) دوست دارند شکارهای

زنده را بخورند.

۴۴- سَمَكَةُ التِّلَافِيَا مِنْ أَغْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَهِيَ تَسِيرُ مَعَهَا .

- (۱) ماهی تیلایا از عجیب ترین ماهیهاست که از بچه هایش دفاع می کند در حالیکه همراهش حرکت می کنند.
- (۲) تیلایا از ماهی های عجیبی است که از بچه هایش دفاع می کند و همراهشان حرکت می کند.
- (۳) ماهی تیلایا یک ماهی شگفت انگیزی است که از کوچک ترها دفاع می کند در حالیکه همراهشان حرکت می کند.
- (۴) ماهی تیلایا از عجیب ترین ماهیهاست که مدافع بچه هایش است و درزندگی با آنها همراهی می کند.

۴۵- هَذِهِ السَّمَكَةُ تَبْلَعُ صِغَارَهَا عِنْدَ الْخَطَرِ؛ ثُمَّ تُخْرِجُهَا بَعْدَ زَوَالِهِ .

- (۱) این نوع ماهی، بچه اش را هنگام خطر می بلعد و بعد از برطرف شدن آن، آن ها را بیرون می آورد.
- (۲) آن ماهی زمان خطر بچه هایش را می خورد و پس از رفع خطر آن ها را بیرون می اندازد.
- (۳) این ماهی بچه هایش را هنگام خطر می بلعد سپس بعد از رفع خطر آن ها را خارج می سازد.
- (۴) این ماهی هنگام خطر، ماهی های کوچک تر را می بلعد سپس بعد از رفع خطر آن ها را رها می سازد.

۴۶- مَا هُوَ الصَّحِيحُ ؟

- (۱) كَانَ الْإِنْسَانُ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا : شاید انسان ، ضعیف آفریده شده باشد .
- (۲) لَيْتَ الْإِنْسَانَ الضَّعِيفَ قَدْ خُلِقَ : ای کاش انسان، ضعیف آفریده می شد .
- (۳) إِنَّ الْإِنْسَانَ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا : قطعاً انسان ، ضعیف آفریده شده است .
- (۴) كَانَ الْإِنْسَانُ قَدْ خُلِقَ ضَعِيفًا : انسانِ ضعیف ، آفریده شده بود .

۴۷- فِی أَىِّ الْعِبَارَةِ مَا جَاءَ «أَسْلُوبُ الْحَالِ» ؟

- (۱) جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ .
- (۲) لَمْ تَبْكِي الْأُمُّ وَقَدْ كَانَتْ فِی الْحَجِّ فِی الْعَامِ الْمَاضِي؟!
- (۳) نَظَرَ «عَارِفٌ» إِلَى وَالِدَيْهِ، فَرَأَى الدَّمْعَ تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا.
- (۴) لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ نَذْهَبَ لَزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ أَيْضًا .

۴۸- فِی أَىِّ اِعْبَارَةٍ جَاءَ «أَسْلُوبُ الْحَالِ» ؟

- (۱) أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِی غَارِ حِرَاءٍ .
- (۲) الْغَارُ يَفِئُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودُهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ.
- (۳) لَا تَطْلُبُ مِنِّي أَنْ أَذْهَبَ إِلَى قِمَّةِ هَذَا الْجَبَلِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ رِجْلِي تُؤَلِّمُنِي.
- (۴) الْيَوْمَ يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ الْفَرِحُونَ فَرِيقًا فَائِزًا .

٤٩- أى العبارة يَخْتَلِفُ مَعَ الأخرى فى « أسلوب الحال » ؟

- (١) هاتان البنتان قامتتا بجولة علمية فى الإنترنت مُبْتَسِمَتَيْنِ .
- (٢) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ .
- (٣) ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً .
- (٤) كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ .

٥٠- عَيِّن العبارة الخالية (فى أسلوب الحال) :

- (١) شَاهَدْتُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ .
- (٢) إِنَّهَا تُطْلِقُ قَطَرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً مِنْ فَمِهَا .
- (٣) سَمَكَةُ التِّيَلِيَا مِنْ أَغْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا وَهِيَ تَسِيرُ مَعَهَا
- (٤) كَانَ السَّيِّدُ مُسْلِمِيٌّ رَجُلًا صَادِقًا وَصَبَاحًا وَمُحْتَرَمًا .

٥١- ما هو الصحيح للفراغ لإيجاد أسلوب الحال ؟ « لا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ »

- ١- تَكَاسَلُ ٢- تَكَاسَلًا ٣- مُتَكَاسِلًا ٤- يَتَكَاسَلُ

٥٢- فى أى عبارة ما جاء الحال ؟

- (١) يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي عَمَلِهِ كَثِيرًا
- (٢) يَجْلِسُ الْوَالِدُ فِي الْغُرْفَةِ فَرِحًا
- (٣) تَأْكُلُ سَمَكَةُ السَّهْمِ الْفَرِيَسَةَ حَيَّةً
- (٤) سَاعِدُ أَخَاكَ وَهُوَ مَظْلُومٌ

٥٣- ما هو الخطأ فى أسلوب الحال ؟ « دَخَلَتِ الْمَعْلَمَاتُ فِي الصُّقُوفِ »

- (١) مُبْتَسِمَاتٍ (٢) مُتَعَجِّبَاتٍ (٣) وَهْنٌ مُبْتَسِمَاتٌ (٤) وَهْنٌ فِي طَرِيقِ الْمَدْرَسَةِ

٥٤- فى أى جملة جاء الحال ؟

- (١) سَنَشْتَرِكُ مُتَأَخِّرِينَ فِي الْجَلْسَةِ
- (٢) الطَّالِبَاتُ يَأْتِينَ مَعَ آبَائِهِنَّ
- (٣) لَيْتَ صَدِيقِي كَانَ حَيًّا
- (٤) كَانَتِ الْمَدْرَسَةُ مُزْدَحِمَةً

٥٥- أى جواب لَيْسَ مُنَاسِبًا لِلْحَالِ ؟

- (١) خَاشَعَاتٍ (٢) مَسْرُورِينَ (٣) ضَعْفًا (٤) مُحْتَرَمًا

٥٦- عين الخطأ فى الحال :

- (١) أَرْجُو لَكَ التَّوْفِيقَ وَ النَّجَاحَ وَ انتَ زَمِيلِى .
- (٢) ذَهَبَ الْمُجَاهِدُونَ إِلَى جِبْهَاتِ الْحَرْبِ الْمُكْبِرِينَ
- (٣) دَخَلَتِ الْمُعَلِّمَةُ الصَّفَّ فَوَقَفْنَا شَاكِرَاتٍ لَهَا
- (٤) اجْتَمَعَ الْمُسْلِمُونَ فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ مُطَالِبِينَ بِحُقُوقِهِمْ.

٥٧- فى أىِّ العبارةِ ما جاءَتِ « الوأُو الحَالِيَّةُ »؟

- (١) وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ
- (٢) أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ يُشَاهِدُونَ الْحُجَّاجَ فِي الْمَطَارِ وَ هُمْ يَرْكَبُونَ الطَّائِرَةَ .
- (٣) إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ .
- (٤) لِمَ لَمْ تَبْكِي وَ ذَهَبْتَ إِلَى الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!